

مفهوم تاریخ در مشرق زمین

نگرش تاریخی در فرهنگ‌های
دیرین خاور نزدیک

زیر نظر رابرت سی دانتن

ترجمه عیسی عبدی



تاریخ اجتماعی و مطالعات فرهنگی



فرهامه

انتشارات فرهامه

مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Dentan, Robert C. (ed.) (1955) *The Idea of History in the Ancient Near East*,
Yale University Press: New Haven

عنوان و نام پدیدآور	مفهوم تاریخ در مشرق زمین: نگرش تاریخی در فرهنگ‌های دیرین خاور نزدیک / زیر نظر رابرت سی دانتن: ترجمه عیسی عبدی.
مشخصات نشر	تهران: فرهنگ، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۳۸۵ ص: مصور، جدول، نمودار: ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
فروست	مردم‌شناسی و فولکلور: ۱۰.
شابک	978-600-8284-16-1
یادداشت	عنوان اصلی: The idea of history in the ancient Near East, 1955.
یادداشت	کتابنامه.
عنوان دیگر	نگرش تاریخی در فرهنگ‌های دیرین خاور نزدیک.
موضوع	تاریخ -- فلسفه
موضوع	History -- Philosophy
رده بندی دیویی	۹۰۱
رده بندی کنگره	D۱۶D ۱۳۹۷۸/۱۶م۷۹د/
سرشناسه	دانتن، رابرت کلود، ۱۹۰۷ - ۱۹۹۵ م. Dentan, Robert C. (Robert Claude)
شناسه افزوده	عبدی، عیسی، ۱۳۵۰ - مترجم
وضعیت فهرست نویسی	فیا
شماره کتابشناسی ملی	۵۱۴۲۴۹۳

مفهوم تاریخ در مشرق زمین

نگرش تاریخی در فرهنگ‌های دیرین خاور نزدیک



www.farhameh.com

farhameh@gmail.com

۸۸۴۳۶۲۹-۰۹۱۰۴۵۱۷۲۶۱

مفهوم تاریخ در مشرق زمین
نگرش تاریخی در فرهنگ‌های دیرین خاور نزدیک

© حق چاپ: ۱۳۹۷، فرهامه

نوبت چاپ: اول

نویسنده: گروه نویسندگان زیر نظر پروفسور رابرت سی دانتن

مترجم: دکتر عیسی عبدی

ویراستار: واحد ویرایش مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

طراحی جلد: آتلیه مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

صفحه‌رایی و نمایه: علی‌اکبر حکم‌آبادی

شمارگان: ۳۰۰ جلد

© همه حقوق برای انتشارات فرهامه محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

مفهوم تاریخ در مشرق زمین

نگرش تاریخی در فرهنگ‌های دیرین خاور نزدیک

زیر نظر پروفیسور رابرت سی دانتن

ترجمه دکتر عیسی عبدی



نویسندگان:

پیش گفتار / جولین اُبرمن
مصر باستان / لودلا بال
میان رودان (بین النهرین) باستان / ای آی اسپایزر
ایران باستان / جورج جی کامرون
بنی اسرائیل / میلر باروز
شرق هلنی / سی بردفرد ولز
مسیحیت آغازین / اریش دینکلر
مسیحیت آبایی / رولاند اچ بایتتن
صدر اسلام / جولین اُبرمن
سده بیستم و خاور نزدیک باستان / پل شوبرت

فهرست

پیش‌گفتار.....	۱۱
فصل یکم: مصر باستان.....	۲۱
الف) سرشت اسناد برای واکاوی مفهوم تاریخ.....	۲۱
ب) اسناد تاریخی.....	۲۲
ج) اسطوره‌های آفرینش و سایر اسطوره‌ها.....	۴۱
د) نسخه‌های جدید از نوشته‌های متأخر.....	۴۴
ه) نتیجه‌گیری.....	۵۰
فصل دوم: بین‌النهرین باستان.....	۵۳
الف) چیستی مسأله.....	۵۳
ب) زمینه کلی فرهنگی.....	۵۶
۱) تمدن.....	۵۶
۲) مذهب.....	۵۸
۳) حکومت.....	۵۹
ج) سرشت منابع.....	۶۰
د) گذشته و نگرش بین‌النهرینی.....	۶۴
ه) دیدگاه‌های سنتی درباره مفهوم گذشته.....	۶۹

و) فالنامه‌ها و مناجاتنامه‌های ایزدی..... ۷۳

ز) مفهوم تاریخ در ادبیات حکیمانه..... ۷۸

فصل سوم: ایران باستان..... ۸۷

الف) پیش‌درآمد..... ۸۷

ب) زمینه تاریخی..... ۸۸

ج) کورش «پدر» و بازنویسی تاریخ..... ۹۰

د) داریوش «دوره‌گرد» و بازساختن تاریخ..... ۹۴

د) بازگشت به انگاره‌های کهن..... ۱۰۱

فصل چهارم: بنی اسرائیل..... ۱۰۵

الف) سرشت منابع..... ۱۰۵

ب) انگیزه‌ها و جهت‌گیری‌ها در روایت‌های آغازین..... ۱۰۹

ج) نخستین تاریخ‌نگاران و پیامبران..... ۱۱۶

د) تاریخ‌نگاران منابع تشنیه..... ۱۲۲

ه. پیامبران و تاریخ‌نگاران (بعد از تبعید در بابل)..... ۱۲۶

و) برداشت آخرالزمانی از تاریخ..... ۱۳۱

ز) خلاصه..... ۱۳۳

فصل پنجم: مشرق در دوره یونان‌مداری..... ۱۳۷

الف) دوره آغازین..... ۱۳۸

ب) تاریخ‌نگاری یونانی..... ۱۴۳

پ) در جست‌وجوی صلح..... ۱۴۷

د) راه‌های مصریان..... ۱۵۱

ه) شهرهای نوپدید..... ۱۵۳

و) توان و انحطاط..... ۱۵۶

ز) بلای روم..... ۱۵۹

ح) ذهنیت تازه..... ۱۶۱

فصل ششم: مسیحیت آغازین ۱۶۵

- الف) چارچوب بحث و روش پژوهش ۱۶۵
- ب) اعلان مسیح به نزدیک شدن فرمانروایی خدا ۱۶۷
- ج) دستیابی به رستگاری در توسل به مسیح و درک زمان ۱۷۲
- ۱) پولس ۱۷۳
- ۲) نویسندگان/انجیل همونا ۱۸۱
- ۳) نامه به عبرانیان ۱۸۵
- ۴) تأخیر در حضور (پاروسیا) و مسأله تاریخ ۱۸۷
- ۵) تاریخ از دیدگاه یوحنا ۱۹۰
- د) خلاصه و مروری بر مفهوم تاریخ ۱۹۲

فصل هفتم: مسیحیت آبابی ۲۰۳

- الف) مسیح و پایان تاریخ ۲۰۳
- ب) تأخیر در بازگشت (رجعت) ۲۰۵
- ج) آفرینش‌های متوالی نه چرخه‌های آفرینش ۲۰۷
- د) پیوستگی تاریخی: مشیت کلیسایی و ماقبل کلیسایی ۲۱۰
- ه) تاریخ سکولار ۲۱۴

فصل هشتم: صدر اسلام ۲۲۳

- الف) مقاومت در برابر اصلاح ۲۲۳
- ب) عربیت ۲۲۷
- ۱) دغدغه گذشته، تبارشناسی قبیله‌ای و پیوندهای مشترک قبایل ۲۲۷
- ۲) انتقام، ثبت ایام، عصبیت ۲۳۵
- ج) زمان مقدر و سرنوشت‌ساز ۲۴۴
- ۱) یکتاپرستی و تاریخ جهان ۲۴۴
۲. عربیت و اسلامیت، آمیختگی ایدئولوژی‌ها ۲۴۸
- د) خلق و خوی زمانه ۲۵۶
- ۳) شکل جدیدی از انساب ۲۶۴

۲۷۴	ه) گستره تحقیق.....
۲۷۹	فصل نهم: مفهوم تاریخ در مشرق‌زمین (از نگاه قرن بیستم).....
۲۸۰	الف) سده بیستم: مفهوم تاریخ.....
۲۸۰	۱) آگاهی تاریخی ما.....
۲۸۱	الف) روشنگری قرون هیجدهم تا بیستم.....
۲۸۴	ب) نقد تاریخی.....
۲۸۶	ج) ایمان مسیحی.....
۲۸۷	د) ریشه‌های آگاهی تاریخی ما.....
۲۸۸	مسائل خاص و مورد بحث.....
۲۸۸	الف) آرگی کالینگوود و مارتین هایدیگر.....
۲۹۲	ب) خلاصه‌ای از مسائل درک تاریخ.....
۲۹۳	ب) ایده تاریخ در شرق باستان.....
۲۹۴	وحدت و گوناگونی.....
۲۹۶	۲) یونان و یونان‌مداری.....
۳۰۱	۳) مصر، بین‌النهرین و ایران باستان.....
۳۰۱	الف) مصر و بین‌النهرین.....
۳۰۴	ب) ایران (پارس).....
۳۰۶	۴) بنی‌اسرائیل (یهود)، صدر مسیحیت و صدر اسلام.....
۳۰۶	الف) بنی‌اسرائیل (یهود).....
۳۰۹	ب) صدر مسیحیت.....
۳۱۴	ج) صدر اسلام.....
۳۱۹	یادداشت‌ها.....
۳۷۱	نمایه.....

سخن مترجم

گذشته‌نگری انسان‌ها و تصویری که از رویدادهای گذشتگان و میراث گذشته داشته‌اند به اندازه تاریخ بشر قدمت دارد. گذشته در هر شکل ممکن، در همه دوران تاریخی برای انسان‌های هر عصر، حامل نظام ارزشی و معنایی بوده که در قالب متون و نشانه‌های فرهنگی در ذهنیت نسل بعدی بازتاب یافته است. این تأثیرگذاری از منظرهای گوناگون دینی، سیاسی و فرهنگی قابل بررسی تاریخی می‌باشد. کتاب مفهوم تاریخ در مشرق‌زمین درواقع یک واکاوی ژرف پیرامون مفهوم تاریخ در فرهنگ‌های گوناگون شرق از جمله فرهنگ مسلمانان صدر اسلام، آباء صدر مسیحیت، یهود (بنی اسرائیل)، مصر باستان، بین‌النهرین، ایران باستان، شرق دوره یونان‌مداری و ... است که نگرش تاریخی و به طور کلی انگاره‌های نخستین از جهان‌بینی تاریخی این اقوام کهن را مورد بررسی مورخانه قرار می‌دهد. تصور انسان‌ها از گذشته که بتوان نام تاریخ بر آن نهاد، مستلزم درک دلالت گذشته و شیوه روایت-مندی تاریخ برای انسان‌های هر عصر است: گذشته چگونه و به چه صورتی برای نسل بعد روایت می‌شده است؟ انسان‌ها چه درکی از گذشته خویش داشته‌اند و چگونه و چه محوری از گذشته را به روایت کشیده‌اند؟ آیا روایت‌مندی‌شان از نوع منتقدانه و آگاهی‌بخش بوده و یا صرفاً به شکل انتقال منفعلانه و ارتجاعی بوده و تهی از تفکر تاریخی، گذشته و حال و آینده را به هم مرتبط می‌ساخته است؟

بدیهی است که گذشته در قالب گفتمان برای هر دوره معنا می‌یافته و از این‌رو، افراد به تبع شرایط تاریخی و فرهنگی، روایت‌های خود را به نسل‌های بعد منتقل می‌کرده‌اند. درحقیقت، آنچه در این انتقال مهم به‌نظر می‌آید، انگاره‌های تاریخی‌اند که یا در گذر زمان به قوت خویش باقی می‌مانند و یا دچار تحول می‌گردند. اگرچه، شیوه بازنمایی گذشته و تفسیر آن برای فهم حال و آینده بنا به هر فرهنگ یا مذهب متفاوت است و از یک الگو پیروی نمی‌کند، از نظر انسان‌شناسی می‌توان به الگوهای مشترک در گذشته‌نگری پی برد.

انسان‌شناسان در بررسی تاریخی فرهنگ‌های گوناگون دنبال الگوهای مشترک هستند؛ شاید از این زاویه اغراق نباشد که در برخی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها از نظر تاریخی‌نگری و تصورات تاریخی، الگوها و نگرش‌های مشترک و همسانی دیده می‌شود. برای نمونه، «نگاه خطی یا دوری به تاریخ» به یک فرهنگ یا تمدن خاص محدود نمی‌شود؛ چه‌بسا شمار زیادی از فرهنگ‌ها و اقوام دارای الگوی‌های مشترک ذهنی در نگاه به گذشته بوده‌اند. اقوام بین‌النهرین به‌عنوان یک کلیت از نظر تاریخ‌نگری از شباهت‌ها و همسانی‌های زیادی برخوردار بوده‌اند.

نویسندگان مقاله‌های کتاب حاضر به موضوع‌های متفاوت پرداخته‌اند؛ آنها به زبان و اصطلاح‌های خاص فرهنگی — از اسلام، یهود و مسیحیت گرفته تا ایران، بین‌النهرین، مصر و یونان — تسلط داشته‌اند. لذا، گوناگونی فرهنگ‌ها و تفاوت‌های زبانی آنها در نگاه به گذشته، کار ترجمه را بسیار دشوار نمود. مترجم با دغدغه تخصصی و همگام با برگردان، زمینه فرهنگی مقاله‌ها را بررسی کرده و با گزینش برابرنهادهای مناسب و پاسداشتِ امانتداری، درحدا امکان، فهم متون دشوار و پیچیده را هموار ساخته است. اما تلاش و پیگیری مجدانه، به معنی نبود لغزش‌ها و کاستی‌ها نیست.

کتاب حاضر دارای ۹ فصل است: فصل اول به مصر باستان، فصل دوم به بین‌النهرین، فصل سوم به ایران باستان، فصل‌های چهارم، پنجم و ششم به‌ترتیب به

بنی اسرائیل، شرق یونان مداری (هلنی)، مسیحیت آغازین، و سپس فصل‌های هفتم و هشتم به مسیحیت آبایی و صدر اسلام اختصاص یافته‌اند. فصل نهم، آخرین فصل، به بازنگری مفهوم تاریخ در مشرق زمین از منظر قرن بیستم می‌نگرد.

مترجم ذکر این نکته را لازم می‌داند که نگارندگان کتاب هرکدام با یک هدف، یعنی فهم انگاره تاریخ، پیرامون حوزه تخصصی خود نگاشته‌اند. لذا، از این نظر، فصل‌های کتاب گویای یک رویکرد عالمانه و هدفمند است.

در پایان، شایسته است از دانشوران پرکار و دلسوز نشر فرهامه، جناب آقای دکتر پیمان متین و سرکار خانم دکتر معصومه ابراهیمی، که با نگاه تخصصی به موضوع، متن کتاب را مطالعه کردند و با ارائه دیدگاه‌های سودمند خود، مرا در تحقق این کار یاری کردند، صمیمانه سپاس‌گزاری نمایم.

عیسی عبدی

بهار ۹۷

پیش گفتار

انگیزه پژوهش پیش روی، برآمده از جایگاه و اهمیت مطالعات مشرق‌زمین است که سخت نیازمند رهیافت‌های جدید علمی است. کاوش در هرکدام از حوزه‌های مهم تمدنی خاورزمین، امروزه در پرتو یافته‌های باستان‌شناختی گوشه‌وکنار جهان و همچنین افزایش روزافزون یافته‌های کتیبه‌ای و ادبی، در چارچوب رشته‌های مستقل تاریخی و زبان‌شناختی گسترش پیدا کرده است. این رشته‌های دانشگاهی در حال حاضر دارای ابزار تخصصی، روش و شیوه پژوهشی خاص خود هستند، لذا دیگر نمی‌توان از یک دانشور انتظار داشت که همزمان در چند رشته تاریخی پیشرفته و ریشه‌دار صاحب کرسی شود. دانشوران امروز، چه آنهایی که خاور نزدیک را به صورت یک کلیت عام بررسی می‌کنند و چه آنهایی که در یک حوزه خاص از این جغرافیا به دانش‌ورزی و پژوهش سرگرم هستند، هیچ‌کدام نمی‌توانند از شاخه‌ای به شاخه‌ای دیگر وارد شوند، زیرا در آن صورت نخواهند توانست در برابر پرسش‌های موشکافانه و انتقادی پاسخگو باشند.

باوجوداین، نباید از ضرورت یافته‌های پژوهشی برای فهم این کلیت جغرافیایی و فرهنگی غفلت ورزید؛ فهم مؤلفه‌های درهم‌تنیده این حوزه تمدنی مانند دین، قانون، جامعه، تاریخ، ادبیات، هنرها و علوم، امروز بیش از گذشته احساس می‌شود. واقعیت این است که هرچه سرزمین‌های مهم شرق کهن، از تاریکی شبه‌تاریخی بیرون آیند، مسیر پیش روی ما برای فهم شالوده‌گذاری تمدن‌های بعدی روشن‌تر شده و نقش خاورزمین نیز در آنها آشکارتر می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان بذره‌ای اندیشگی خاورزمین را که در بستر فرهنگ‌های میانه‌ای - مدیترانه‌ای و حتی فرهنگ مدرن

غرب‌روییده، بازکاوی کرد. لذا، مسأله آگاهی از تمدن خاور نزدیک کهن برای دانش‌پژوهان علوم انسانی و بخصوص تاریخ فرهنگ چنان بدیهی و بایسته است که نیاز به بازگفتن ندارد. اما اگر قرار است این آگاهی از نظر انتقادی جایی باز کند و به اعتبار شناختی برسد، به همکاری دورونزدیک همه گرایش‌های تاریخی - زبان‌شناختی نیاز دارد.

در گذر چند سال پیاپی، اعضای گروه‌های علمی زبان‌ها و ادبیات خاور نزدیک در دانشگاه بیل، نشست‌های ساده و بی‌پیرایه‌ای پیرامون موضوع‌هایی از این گستره تمدنی، برگزار کردند. دامنه‌دارشدن نشست‌ها، دانشوران را بر آن داشت تا در همین مسیر، موضوع‌هایی از خاورزمین را سنخ‌بندی کرده و هر سنخ را جداگانه در قلمر فرهنگی خود از مصر و میان‌رودان (بین‌النهرین) باستان تا دوران اسلامی، مورد بررسی قرار دهند. تصور بر این بود که هرکدام از همایش‌های علمی، نه تنها گستره دید دانشجویان و به عبارتی، توان تخصصی گروه‌ها را برای آموزش بالا می‌برد، بلکه به دانش‌پژوهان دیگر رشته‌ها کمک می‌کند تا دست‌کم از رهگذر این موضوع‌ها، به شناخت درست‌تر و قابل‌دفاع‌تری از خاورنزدیک دست‌یابند.

سرانجام، به پیشنهاد پروفیسور پُل شوبرت، تصمیم گرفته شد که نخستین همایش به موضوع «مفهوم تاریخ» اختصاص داده شود. با تصویب کانون زبان‌های سامی و مطالعات کتاب مقدس^۱ قرار شد که همایش‌های ماهیانه در آن کانون در فاصله سال‌های ۱۹۵۲-۵۳ با عنوان کلی «مفهوم تاریخ در خاورنزدیک باستان» برگزار گردد. در این سلسله مناسبت‌های تخصصی، کنفرانس‌هایی در قالب سخنرانی و جلسه تبادل نظر پیرامون مصر، میان‌رودان، ایران، بنی اسرائیل، شرق یونان‌مدار، مسیحیت دوران رسالت و آبایی و در نهایت اسلام ارائه گردید.

نیاز به یک رهیافت جدید، در معنای خاص روش‌شناختی نیز از دغدغه‌های شکل‌گیری این همایش‌ها بود که از همان ابتدا مورد توجه قرار گرفت. با این‌نگاه، دانشوران دست‌اندرکار به این نتیجه رسیدند که برای تهیه مقاله‌های پیش روی باید در وهله نخست و حتی به‌طور خاص به سراغ *اناجیل* همنوا و یا کمابیش دنبال انبوه متون و آثار شرع مقدس در عصر کنونی بروند. نگارندگان البته می‌دانستند که منابع و کتاب‌های کنونی از شائبه و دخالت نویسندگان یا مدونان آنها به سود نظریه‌ای

رایج، در جهت منافع یک مکتب پرنفوذ و یا در بزرگداشت خاندانی حکومتگر و به زبان ساده از روح زمانهٔ جدید، مصون نیستند. تا اندازه‌ای این شائبه‌ها، در همهٔ حوزه‌های پژوهشی خاور نزدیک و شرق کهن وجود دارد و راه‌گریزی نیست؛ به‌طوری‌که نفوذ آنها در لایه‌لای پژوهش‌های تاریخی بنی‌اسرائیل، مسیحیت دوران رسالت و آبابی و همچنین مطالعات اسلامی چندان دور از ذهن نیست. به‌طور مسلم، موضوع‌هایی چون معنای دین، مفهوم قانون و اقتدار، نیروی آگاهی و وجدان اجتماعی، انگارهٔ حقیقت و دانش، هر کدام در جای خود ارزش بحث و واکاوی دارند، اما در اینجا روی سخن ما «انگاره یا مفهوم تاریخ» است. به عبارتی، مفهوم تاریخ آن‌گونه که در دوران رشد و بالندگی تدریجی فرهنگ‌های کهن، بروز و تجلی یافته برای ما بیش از هر چیز دیگر، اهمیت دارد. تمرکز بر مفهوم تاریخ، به معنای فهم شاکلهٔ کلی فرهنگ و یا به معنای فروکاستن آن نیست. به‌همین خاطر، روی آوردن به این مفهوم، نباید ما را از پردازش انتقادی سایر جنبه‌های ابتدایی فرهنگ و فهم مراتب و لایه‌های شکل‌گیری آن بازدارد.

از پیش می‌دانستیم که دانشوران دست‌اندرکار از ضرورت مطالعهٔ انتقادی منابع آگاهی کافی دارند، ولی به خاطر سرشت خاص پدیده‌های فرهنگی، کمابیش دیدگاه‌های رهیافتی متفاوتی ارائه خواهند کرد. به‌همین روی، برای ایجاد هماهنگی و همگرایی موضوعی، از نظر هدف و روش، رهنمودهای زیر تهیه و در اختیار شرکت‌کنندگان به شرح زیر قرارگرفت تا آنها هم نظر موافق خود را ارائه دهند:

«ما بنا داریم هرگونه مفهوم و پنداره از گذشته که در بناها یا نگاره‌های فرهنگی به‌صورت پنهان یا آشکار باقی‌مانده و یا در قالب افسانه‌ها، سروده‌ها، مثل‌ها، آیین‌ها و حماسه‌ها حفظ شده، کشف و بازشناسی کنیم. به گمان ما، این محورها از فرهنگ خاور نزدیک کهن، به شیوهٔ بررسی تاریخ‌نگارانه در مفهوم خاص - بدون توجه به کار مورخ در معنای عرفی و سنتی کلمه - مورد واکاوی قرار خواهد گرفت؛ آنچه مهم است صرفاً چگونگی بازنمایی گذشته در این بازمانده‌های فرهنگی است.»

«اگرچه می‌دانستیم که هر حوزهٔ فرهنگی داده‌ها و مسائل خاص خود را دارد، جسورانه به دست‌اندرکاران پیشنهاد کردیم به پرسش‌های مشترک زیر در پژوهش‌های خود پاسخ دهند: چه دریافت یا برداشت رایجی از گذشته را می‌توان در نمودگارهای فرهنگی یا دینی هر فرهنگ پیدا کرد؟ گذشته در نظر آنانی که اسناد و

روایت‌های تاریخی را خلق، نگهداری یا اصلاح کرده‌اند چه معنایی داشته است؟ چه منافع یا انگیزه‌هایی در نقل یا تکرار روایت‌های گذشته وجود دارد؟ انگاره‌ها و تصورات کهن، چگونه همچنان در تداوم و دگرگونی فرهنگ‌ها به قوت خود باقی مانده است؟ این انگاره‌ها تا چه حدی دستخوش دگرگونی شده و با کدام چالش‌ها یا تضادها روبه‌رو بوده‌اند؟ چگونه ممکن است در یک فرهنگ، برداشت‌ها از گذشته دگرگون شود و جای خود را به برداشت‌های جدید و متفاوتی بدهد؟ چه تکاپوهایی برای ایجاد هماهنگی میان نگرش‌های قدیم و جدید به گذشته، صورت گرفته است؟

«در مرحله‌ای که فرهنگ جلوه‌هایی از بلوغ خود را در قالب آثار ادبی و زبانی برجای گذارده است، نوشته‌های متعارف وقایع‌نگاران، دفاعیه‌پردازان، مورخان و متألّهان برای شناخت روندهای کلی تاریخی چقدر به ما کمک می‌کند؟ درنهایت، ایده تاریخ و آگاهی انتقادی از مفهوم تاریخ چگونه در تاریخ‌نگاری فرهنگ‌های شرقی در روند رشد و پویایی‌شان، بازتاب یافته است؟»

حال، دانشوران دست‌اندرکار چه اندازه با رهنمودهای بالا کنار آمده‌اند و روی هم رفته از نظر رهیافت و نتایج، چقدر در کنار همدیگر، همسنخی و وحدت نشان داده‌اند، مسأله‌ای است که آن را برای قضاوت به خوانندگان واگذار می‌کنیم. باین همه (جدای از جمع دانشور حاضر)، هرکدام از دانشوران بی‌تردید، با دیدگاه متمایز و درواقع جدیدی از حوزه‌های فرهنگی خاور نزدیک، در این مناسبت، نقش آفرینی کرده‌اند. شکی نیست، برخی مخاطبان درخواست یافت که اگرچه پژوهش‌های پیش روی بر یک سنخ موضوع متمرکز هستند، اما درحقیقت، هرکدام از آنها، نشان از دغدغه‌های خاص نگارندگانشان دارد.

مجموعه پژوهش حاضر جدای از اهمیتی که می‌تواند در محافل دانشگاهی پیدا کند، آن قدر گویا و پرمهر است که به عرصه نشر درآید. گذشته از آن، این مجموعه به عنوان یک طرح مشترک، از نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه ییل، یک تجربه مهم دانشگاهی بود که در قالب یک کلیت پژوهشی جامعه عمل به خود گرفت. دراین میان، مایه تأسف است که برخی از همکاران دانشگاهی به دلایلی نتوانستند در این طرح در کنار ما باشند. جا دارد از دو دانشور برجسته، پروفسور جورج کامرون، از دانشگاه میشیگان و پروفسور ای‌آی اسپایزر، عضو هیئت علمی دانشگاه پنسیلوانیا، تشکر و

قدردانی کنم که با آغوش باز از دعوت ما برای شرکت در این طرح استقبال کردند. سخنرانی لودلاو بال را می‌توان از بازی روزگار، واپسین حضور علمی او در دانشگاه محل تحصیل دانست که انتشارش، یادمان او پس از مرگ است. لذا چاپ این مجموعه فرصتی فراهم آورد تا یاد و خاطره آن شخصیت فرهیخته و بانیوغ در میان همکاران، شاگردان و دوستانش که اکنون در دانشکده‌ها و گروه‌های مهم علمی این دانشگاه مشغول فعالیت هستند، برای همیشه زنده بماند. ویلیام سی هایزر، از دوستان دیرین وی در موزه هنر متروپولیتن^۱، نسخه پیش از چاپ آن استاد را در مورد «مصر باستان» برای نشر در اثر پیش روی، تهیه و ویراستاری کردند.

جولین اُبرمن، نیوهیون / دسامبر ۱۹۵۴

فصل یکم

مصر باستان

الف) سرشت اسناد برای واکاوی مفهوم تاریخ

نه واژه‌ای را از مصر باستان می‌شناسیم که به‌طور دقیق با مفهوم تاریخ مورد نظر کلی مقالات این کتاب مطابقت نماید^(۲) و نه متنی مصری یافته‌ایم که در نظر نویسندگان مصر باستان «مفهوم تاریخ» را القا کند. با این‌همه، روشن است که مصریان به خاستگاه جهان بسیار اشتیاق می‌ورزیدند و علاقه زیادی به خدایان و حیات بعد از مرگ و تولید و حفظ اسناد گذشته کشورشان داشتند. شاهان مصری با دقت و وسواس به ثبت وقایعی می‌پرداختند که می‌توان آنها را فاکت‌های تاریخ عمومی به‌شمار آورد. اشخاص بسیاری می‌کوشیدند آن‌دسته از فاکت‌های تاریخ شخصی خود را که مایه اعتبار آنها شود، ثبت و حفظ نمایند. لذا، در چنین شرایطی، بایستی نگرش تاریخی مصریان را از اسناد بازمانده‌ای یافت که فرمانروایان بر مسند قدرت، ثبت آنها را برای گزارش دهی به همعصران و آینده ارزشمند می‌دانسته‌اند. تاریخ این اسناد تا دوران پیش از پادشاهی هم می‌رسد، و هرگاه اسناد تقویمی بازمانده از اقوام ابتدایی را در عصر حاضر در نظر بگیریم، به نظرمان مسلم می‌آید که شکلی از ثبت و حفظ اسناد در مصر و سایر ملت‌های باستانی از دیرباز و قبل از تاریخ ثبت اسناد بازمانده امروز که ما می‌شناسیم، وجود داشته است.

(ب) اسناد تاریخی

شایان نگرش است که کهن‌ترین اسناد حامل قدیمی‌ترین داده‌های تاریخی که از مصریان بازمانده، به‌ندرت با کهن‌ترین وقایع ثبت‌شده، همزمانی دارند. در دوره‌ای از تاریخ، ظاهراً در سلسله پنجم پادشاهی^(۳) (ح. ۲۵۵۰ پ.م.) و بنا به سبک یادبودی که به‌طور مسلم از سلسله ششم فراتر نمی‌رود، یک تخته‌سنگ بزرگ به درازای تقریبی هفت فوت و چیزی بیش از دو فوت ارتفاع، که در دو طرف آن به‌طور افقی نبشته‌هایی نقر کرده بودند، از قرار معلوم در ممفیس، تختگاه مصر، وجود داشته است. به‌طور دقیق، نمی‌توان ابعاد دقیق آن را ارائه کرد. آنچه از آن به ما رسیده شش قطعه جداگانه می‌باشد. یکی از آنها سنگ معروف پالرمو است که از حدود سال ۱۸۵۹ در سیسیل و از سال ۱۸۷۷ در موزه پالرمو نگهداری شده است. چهار قطعه دیگر در موزه قاهره نگهداری می‌شود؛ از این چهار قطعه، سه تا در سال ۱۹۱۰ به وسیله رؤسای اداره عتیقه‌جات مصر خریداری شده بود. قطعه چهارم همه توسط یکی از نگاهبانان اداره یادشده در محوطه ممفیس باستان به‌طور اتفاقی پیدا شده بود. قطعه ششم که فلیندرس پتری^۱ تقریباً همزمان با خرید سه قطعه یادشده، از یک دلال در مصر خریداری کرده، اکنون در یونیورسیتی کالج لندن^۲ نگهداری می‌شود. باین‌همه، احتمال می‌رود - ولی نه یقیناً - که این شش قطعه متعلق به یک اثر تاریخی باشند (جنس همه آنها به نظر نگارنده از نوعی دیوریت است)، اگر آنها متعلق به چند اثر یادبودی باشند، باز هم کتیبه‌های آنها بسیار به هم شبیه‌اند. البته احتمال دارد که چندین نوع از این اسل‌های سالنامه‌ای وجود داشته است. مطالعه قطعات نشان می‌دهد که سالنامه‌ها با فهرستی از شاهان دو سلسله شاهی جداگانه از مصر علیا و سفلی شروع می‌شوند، نام‌ها به‌ترتیب افقی آمده‌اند و در زیر هر اسم یک تمثال شاهی به حالت چمباتمه‌زده دیده می‌شود که تاج متمایزی مربوط به قلمرو شاهی تحت فرمان بر سر دارد.^(۴) در بخش اول ممکن است ۱۴۰ یا حتی بیش از آن، از نام شاهان ذکر شده باشد. برخی از شاهان که در سطر اول قطعه اصلی قاهره، نامشان آمده، ظاهراً تاج دوگانه متعلق به مصر علیا و مصر سفلی بر سر دارند، و این نشان می‌دهد که در زمان وحدت دو مصر، تاج‌ها را ممزوج می‌کرده‌اند.^(۵) تصور کنم

نخستین بار سِر آلن گاردینر^(۶) بود^۱ که هنگام مطالعه تصاویر مندرج در نشریه «معرفی قطعات قاهره» که توسط گوتیه^۲ در سال ۱۹۱۵ منتشر شده بود، پی برد که در سطر اول سنگ پالرمو، شاهان تاج دوگانه بر سر دارند.

جی اچ برستد، مصرشناس امریکایی، با رجوع به کتیبه اصلی، صحت آن را تأیید کرد.^(۷) وجود شاهان در دوره اتحاد مصر، پیش از شروع سلسله‌های شاهی، مؤید این نظریه است که دو سرزمین مصر روزگاری پس از فتح جنوب توسط شمال، با هم وحدت یافته و دوباره به عنوان دو قلمرو پادشاهی از هم جدا شده‌اند. پی ای نیوبری^۳، مصرشناس انگلیسی، در حدود سال ۱۹۰۶^(۸) پیش از آنکه به شواهد بزرگ‌ترین قطعه باستانی قاهره متعلق به سالنامه‌های پادشاهی کهن، پی ببرد، نظرها را متوجه برتری تمدن اولیه دلتا کرده بود. در سال^(۹) ۱۹۲۲، کورت زتّه آلمانی^۴ از احتمال پیروزی اولیه قوم دلتا بر جنوب مصر، خبر داده بود.

در اینجا خوب است به باور مصریان درباره حکومت خدایان اشاره شود. آنان اعتقاد داشتند که پیش از دوران طولانی پادشاهی دو سلسله مجزای مصر، برخی از خدایان بزرگ به دنبال هم بر روی زمین و از قرار معلوم بر پهنه مصر فرمانروایی می‌کرده‌اند. مصریان در برخی از فهرست‌های شاهی، نام خدایان را برده‌اند که روزگاری بر زمین فرمانروایی می‌کرده‌اند و سپس به آسمان یا به جهان زیرین رخت‌برسته‌اند.

در پاپیروس معروف تورین، راجع به سلسله شاهان، که به احتمال قریب به یقین در دوره سلسله نوزدهم نگاشته شده^(۱۰) (سده سیزدهم پ.م.)، طول دوره فرمانروایی هر کدام از خدایان ذکر شده است. پاپیروس تورین یک سند واقعاً شایان توجه است که در اوایل سده نوزدهم به وسیله کاوشگر ایتالیایی، به نام دروتی^۵ در ممفیس به دست آمد. وی آن سند را همراه خود به ایتالیا برد و در اختیار موزه باستان‌شناسی تورین قرارداد. این سند در اصل هنگام نگارش بیش از سیصد شاه مصر را برشمرد که از خدایان شروع می‌شود و تا پایان دوره میانی دوم در اوایل سده ۱۶ پ.م. درست قبل از سلسله هجدهم، از جمله شاهان مهاجم هیکسوس^۶ را دربرمی‌گیرد. گفته

1. Sir Alan Gardiner

2. Gauthier

3. P.E Newberry

4. Kurt Sethe

5. Drovetti

6. Hyksos

می‌شود که سند یادشده هنگام پیداشدن در شرایط بسیار بدی بود^(۱)، بسیاری از قطعات پیدا نشد، اما شمار زیادی از کاوشگران طی سالیان متمادی به بازسازی آن در حد گسترده‌ای مشغول شدند.

پژوهش شایان توجه هوگو ایبشر^۱، متوفی به سال ۱۹۴۳، منتشر شده است. وی در ترمیم و بازسازی قطعات پاپیروس از طریق بررسی فیبرهای آنها، تبخیر خاصی داشت و توانست برخی از قطعات بسیار مهم پاپیروس تورین را در جایگاه خود قرار دهد. سند پاپیروس که او ترمیم کرد در سال ۱۹۳۸ به وسیله گیولیو فرینا^۲ منتشر گردید.^(۳) بسیاری از پژوهشگران به این سند استناد کرده و در تحقیقات خود از آن بهره جسته‌اند. در سده سوم پ.م. در زمان پادشاهی بطلمیوس دوم چنانچه گفته شد، تاریخ مصر به وسیله کاهنی به نام مان تو^۳ به زبان یونانی به نگارش درآمد که آن نیز نام همان خدایانی را که در سند پاپیروس تورین آمده بود، برمی‌شمارد. از رهگذر فهرست «مان تو» سی سلسله به‌طور کامل تا عصر اسکندر بزرگ در اواخر سده چهارم پ.م.، به ما رسیده است. هر دو فهرست تورین و مان تو در حفاصل زمانی میان خدایان و شاهان، درست قبل از سلسله شاهان، فهرستی از «مدح‌شدگان» (به مصری: akhu) که مان تو آنها را «نیمچه‌خدایان» خوانده است، برمی‌شمارند. با در نظر گرفتن ترتیب نام‌ها در فهرست‌های بعدی، می‌توان حدس زد که استل، سالنامه پادشاهی کهن، نیز نام خدایان و «مدح‌شدگان» [نیمچه‌خدایان] را در بخش آغازین خود داشته است، اما بازمانده استل آن قسمت را در خود ندارد. شاهان پیشادودمانی، چه در قلمروهای جداگانه و مستقل مصر علیا و سفلی و چه در قالب وحدت نخستین و متأخر مصر علیا و سفلی، چهره‌هایی هستند که در دوران بعدی از آنها به عنوان «پیروان حوروس» یاد می‌شود. فرمانروایان پادشاهی‌های شمال و جنوب، حوروس، آخرین خدا-شاه را می‌پرستیدند و تبار خود را در او می‌جستند؛ هر شاه خود را تجسد وی می‌دانست. قدیمی‌ترین داده‌های تاریخی در سالنامه‌های سلطنتی از این‌رو بایستی به دوره‌ای فراتر یعنی شاید هزار سال قبل از تاریخ استل سالنامه‌ای و یا چندین قرن تا هزاره چهارم پ.م. برسد.

1. Hugo Ibscher
2. Giulio Farina
3. Manetho

علاوه بر سالنامه‌های پادشاهی کهن، پاپیروس تورین و تاریخ مان تو، چهار فهرست کوتاه‌تر شاهان وجود دارد. همه این داده‌ها از پادشاهی نوین هستند. قدیمی‌ترین آنها یک فهرست گزینشی است که توسط تتموس سوم (نیمه اول قرن پانزدهم پ.م.) در یک اتاق کوچک منتهی به تالار تشریفات وی در معبد کرنک در تب، ثبت شده است. سنگ‌های نقرزده بر دیوارهای این اتاق در سال ۱۸۴۴ به وسیله پریس داو^۱ به فرانسه آورده شد که اکنون در موزه لوور نگهداری می‌شوند. بر روی این سنگ‌ها، فهرستی شامل نام شصت و یک پادشاه متعلق به دودمان‌های چهارم، پنجم، ششم، یازدهم، دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم و هفدهم برشمرده شده است. از آنجاکه اسامی کلاً فاقد ترتیب درست هستند و برخی از آنها به‌طور جزئی یا کلی آسیب دیده‌اند، بنابراین، فهرست یادشده از چندان ارزش تاریخی برخوردار نیست. اولین نام در فهرست، ازبین‌رفته است. اما نام بعدی، سنفریو، نخستین شاه دودمان چهارم (قرن ۲۶ پ.م.) است که به دنبال آن نام چند پادشاه از دودمان پنجم آمده است. علت برگزیدن برخی اسامی روشن نیست. مثلاً در یک مورد خاص، نام شاهان نسبتاً گمنامی متعلق به خاندان‌های سیزدهم و چهاردهم در دوره دوم میانی (سده‌های هیجدهم و هفدهم پ.م.) آمده است. شاید «توت-موشه» خواسته است با این کار نشان دهد که او از سلاله این شاهان است.

سند بعدی از نظر ترتیب بسیار جالب توجه و ارزشمند است. آن شامل فهرستی از هفتاد و شش پادشاه است که ستی اول، دومین پادشاه خاندان نوزدهم (وفات حدود ۱۳۰۰ پ.م.)، آن را روی دیواری از معبد مقبره‌ای خود در ابیدس^(۱۳) بر جای گذاشته است. فهرست با نام شاهان دودمان اول شروع می‌شود که از میان نه پادشاه آن، نام هشت نفر را برمی‌شمرد، به دنبال آن از میان ده پادشاه منتسب به دودمان دوم نام هفت تن را می‌برد، و آنگاه از میان پنج پادشاه منتسب به دودمان سوم، نام چهار شاه را برمی‌شمرد، و همین‌طور از نه پادشاه دودمان چهارم، نام شش تن را ذکر می‌کند و در ادامه از میان نه پادشاه منتسب به دودمان پنجم، به ذکر نام هشت تن از آنان در قالب کمابیش یک فهرست اکتفا می‌کند؛ در ادامه نام همه شاهان معروف دودمان ششم می‌آید. فهرست ابیدس برای «دوره اول میانی» پانزده نام را برمی‌شمرد که برخی از آنها تنها در